







« مفاهیم قرآن از زبان قرآن: »

جلسه چهاردهم – دور یازدهم – ۲ مرداد ۱۴۰۱



در محضر سورۂ فاطر:

پرسش ۱:



**در مواجهه با « حوادث زندگی »،
مردم به چند دسته تقسیم می‌شوند؟**

از منظر قرآن، تمام افرادِ «**بشر**»،

در مواجهه با «حوادث و مشکلاتِ زندگی»،

یا «**قاهر**» و «**سوار**» بر آنها،

یا «**مقهور**» و نسبت به آنها «**منفعل**» اند.

پرسش ۲:



« قانونِ مهمّ زندگی » چیست؟

آیه « ۱۰ » سورة « **فاطر** »،

که از « آیاتِ مهمِ قرآن است »،

« **مهمترین قانونِ زندگی** » را

چنین بیان می‌فرماید:

بخش اول آیه ۱۰:



مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ

فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا ... (فاطر. ۱۰)

هر که اقتدار و إحاطه (در زمینه‌های مختلف زندگی را) می‌خواهد،
باید بداند که اقتدار و إحاطه (در هر زمینه‌ای) از آن خداوند است ...

« **عِزَّت** » متضادّ با « **ذِلَّت** » یعنی:

رهائی از « بیهودگی و پوچی و اِنفعال »،

و رسیدن به « **تَفَوُّق** و **استِعلاء** » پایدار،

و « **سوار** » بودن بر « **حوادث** » زندگی.

پرسش ۳:



«اولین راه» عزیز شدن؟

طبق این بخش از آیه ۱۰ سورة فاطر،

برای پوچ نشدنِ « زندگی » و باطل نشدنِ « تلاشها »،

و برای اینکه بتوانیم با تلاش و عبادت و زندگیِ خود،

به « **حیاتِ طیبه** » و « **سعادتِ جاودانه** » برسیم،

باید^{۱۷} تمام روابطمان را فقط با « **خداوند** » تنظیم کنیم.

پرسش ۴:



انسانِ « عزیز » کیست؟

انسانِ « عزیز » فردی است که:

« مَنِيعٌ لَا يُغْلَبُ وَ لَا يُقَهَّرُ »

(لسان العرب)

غیر قابل نفوذ است و منفعّل و مقهور نمی‌شود.

لذا متضادِ « عزیز » را « نِفْلَه شَدَن » گفته‌اند.

«چرا» عزیز عزیز است؟

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْكَافِرُونَ

وَاللَّهُ مَعَكُمْ

وَلَنْ يَتْرُكَكُمْ أَغْمَالَكُمْ (محمد/۳۵)

پس سستی نکنید و دنبال سازش (با کفار) نباشید زیرا شما برترید
چون خدا با شماست و از کارهایتان هرگز نمی‌گاهد.

پرسش ۵:



نشانۀ « مرگ و زندگی »،

از منظر اُمیر المؤمنین؟

در سال « ۳۷ هجری » شامیان در جنگ صفین، « آب » را بر مسلمانان بستند،

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه به سپاهیانسان چنین فرمودند:

شامیان با بستن آب شما را به پیکار دعوت کردند. اکنون بر سر دو راهی قرار دارید:

یا به « ذلت و خواری بر جای خود بنشینید، »

یا « شمشیرها را از خونشان سیراب سازید تا از آب سیراب شوید. »

بدانید که « مرگ، در زندگی ذلیلانه »، و « زندگی، در مرگ عزتمندانه » است:

فَالْمَوْتُ فِي حَيَاتِكُمْ مَقْهُورِينَ وَالْحَيَاةُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ

پرسش ۶:



آیا فردِ « عزیز »،

« شکست‌ناپذیر » است؟

خیر، هر « **عزیزی** » اگر « حمایت » نشود،

« **ظاهراً** »، « **شکست** » می خورد،

اما هرگز « **مقهور** » و « **منفعل** » نمی شود،

و « **عزم** » او نمی شکند.

(مثل: ساحران و امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهما و سایر أئمه أطهار صلوات الله علیهم)،

پرستی ۷:



آیا « نظام اسلامی » باید
مثل « نظام سلیمانی » باشد؟

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در « خطبه قاصعه » می فرمایند:
اگر انبیا قدرتی داشتند غیر قابلِ معارضه و عزّتی داشتند شکست ناپذیر،
و شوکتشان به نحوی بود که گردنِ مردان به سوی آن کشیده می شد،
و مردم برای تماشای بزرگی و سطوتشان بار سفر می بستند،

وَلَوْ كَانَتْ الْأَنْبِيَاءُ أَهْلَ قُوَّةٍ لَّا تُرَامُ وَ عِزَّةٍ لَّا تُضَامُ
وَأَمْلِكُ تَمَدُّ نَحْوَهُ أَغْنَاكَ الرِّجَالِ وَ تُشَدُّ إِلَيْهِ عُقَدُ الرِّجَالِ

(ظاهراً) این وضع برای پندگیری مردم از آنان آسان‌تر،

و از تکبر و گردنکشی در برابر آنان، دورتر بود،

و آنها یا به خاطرِ « ترس از آن عظمت ظاهری انبیاء »،

و یا به خاطرِ « رغبت به ثروت آنان »، « ایمان » می‌آوردند:

لَكَانَ ذَلِكَ أَهْوَنَ عَلَى الْخَلْقِ فِي الْإِعْتِبَارِ وَ أَبْعَدَ لَهُمْ فِي الْإِسْتِكْبَارِ

و لَأَمَّنُوا عَنْ رَهْبَةٍ قَاهِرَةٍ لَهُمْ أَوْ رَغْبَةٍ مَائِلَةٍ بِهِمْ

در آن صورت، « قصد‌ها خالص نبود »،

و « خوبی‌ها به خاطر طمع » انجام می‌گرفت:

فَكَانَتْ النِّيَّاتُ مُشْتَرَكَةً

وَالْحَسَنَاتُ مُقْتَسَمَةً ... (خطبه قاصعه)

پس « عزّت » و « اقتداری » که

به خاطرِ « ترس » یا « طمع » باشد،

و مبتنی بر « معرفت » و « معنویت » نباشد،

هیچ « ارزش » و « دوامی » ندارد.

پرستی ۸:



« شرطِ عزّت پایدار » چیست؟

بخش دوم آیه ۱۰:



مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا،

إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ

وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ ... (فاطر/ ١٠)

سخنان پاکیزه به نزد او بالا می‌رود و کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد ...

پس « عزتِ پایدار »، محصولِ:

اول: داشتنِ « کلامِ طیب »،

دوم: داشتنِ « عملِ صالح » است.

پیشی ۹:



« عزّت » برای « چیست »؟

در « عزّتِ الهی »،

« تفوّق و استعلاء و اقتدار »،

برای « مقامِ ایمانیِ انسان » است،

نه برای « بدن و امکاناتِ مادیِ او »:

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا

وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

(آل عمران / ۱۳۹)

و سستی نکنید و غمگین نشوید

زیرا شما برترید اگر مؤمن باشید.

پس « حَقَّانیتِ کلام و عملِ اولیاءِ الهی »،

« تَفَوُّق و استعلاء و اقتدار » پیدا می کند،

اما خودشان، « قُلْدَری و تَفَاخُر » ندارند،

و خود را « تَافَتَهْ جَدابافته » نمی پندارند.

پرسش ۱۰:



« کلمه چیست؟ »

« کلمه »،

« ظهورِ ارادہٗ عاقلانہ یا جاہلانہ »،

و ناقلِ « کلام و پیامِ پاک یا پلید »،

و عاملِ « صعود یا سقوطِ » مخاطب است.

پریشی ۱۱:



«انواع کلمه» کدامند؟

كَلِمَةُ اللَّهِ

كَلِمَةُ رَبِّكَ

كَلِمَةُ طَيِّبَةٍ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ

كَلِمَةُ خَيِّثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَيِّثَةٍ

كَلِمَةُ الْعَذَابِ

كَلِمَةُ الْكُفْرِ

كَلِمَةُ بَاقِيَةٍ فِي عَقِبِهِ

كَلِمَةُ التَّقْوَى

پرسش ۱۲:



« طئیات » کدامند؟

رَبُّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً

فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا

الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ

الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ

بَرِيحٌ طَيِّبَةٌ

مَسَاكِنٌ طَيِّبَةٌ

حَيَاةٌ طَيِّبَةٌ

كَلِمَةٌ طَيِّبَةٌ

الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

وَ

الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ

پرسش ۱۳:



« کلامِ طیب » چیست؟

« **سخنانی** عاقلانه و منطقی و روشن »،

و برآمده از « **قرآن** و **شریعت** و **تجربه** »،

و خالی از « **نیش** و **عیب** و **تحمیل** »،

و عامل « **هدایت** و **رُشد** و **رویش** » است.

پیشی ۱۴:



« کلامِ طیب » مانند؟

۱- « مواعظِ حکیمانہٗ حضرتِ **لقمان** » علیہ السلام،

۲- « نامہٗ ۳۱ حضرتِ **أمیر المؤمنین** » صلوات اللہ علیہ،

۳- « تمام بیاناتِ حضرتِ امام **خمینی** » رحمہ اللہ علیہ،

۴- « تمام بیاناتِ حضرتِ امام **خامنہ‌ای** » حفظہ اللہ تعالیٰ،

۵- « وصیتنامہٗ سردارِ شہید **سلیمانی** » رحمہ اللہ علیہ،

پرستی ۱۵:



« بالارونده » و « بالابرنده » مثل چی؟

« **هواپیما** » صعود می کند و بالا می رود،

و « **موتور** » آن را « بالا می برد. »

« **أبر** » صعود می کند و بالا می رود،

و « **باد** » آن را « بالا می برد. »

« **کبوتر** » صعود می کند و بالا می رود،

و « **بال** » آن را « بالا می برد. »

« **آب** » صعود می کند و بالا می رود،

و « **گرما** » آن را « بالا می برد. »

پرسش ۱۶:



« عملِ صالح چيست؟ »

به « جریان انداختنِ سخنانِ طیب » است،

به نحوی که « فسادگریز و فسادستیز »،

و « مناسبِ زمان و مکان و مخاطب »،

و عاملِ تفکیکِ « خبیث و طیب » باشد:

مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ

حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَيْثَ مِنَ الطَّيِّبِ

..... (آل عمران/ ۱۷۹)

خدا بنا ندارد مؤمنین را به این (وضع) که شما بر آنید واگذارد،

تا آن که (هر چیز) « پلیدی » را از (هر چیز) « پاکی » جدا کند

پرسی ۱۷:



« دَوَّ مین راه » عزیز شدن؟



خدایا:

ما را در رسیدن به « **عِزَّتِ** **مُؤْمَنَانِه** » یاری کن،

و از هر نوع « **خِیَاثَتِی** » حفظ فرما،

تا با « **کَلَامِ طَیِّب** » و « **عَمَلِ صَالِح** »،

در « **ظَهْرِ اٰخِرِیْنِ حِجَّتِ** » سهیم باشیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

